



سرمقاله



تمدن از جمله واژه‌های پیچیده و چند ساحتی است که همواره در تحلیل‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی، مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. اهمیت نگرش تمدنی از آن روست که فراگیر و جامع بوده، تحولات اجتماعی را در مقیاسی کلان و در نسبتی با دیگر حوزه‌ها مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌دهد و از تحلیل‌های تک عاملی پرهیز می‌کند. از سوی دیگر نگاه تمدنی نگاهی است که کارآمدی نظام‌های اندیشه‌ای از آن رهگذر بوده و راه برای نهادینه کردن اجتماعی یک فکر، آن هم در گستره‌ای وسیع، ممکن می‌گردد.

کارآمدی نگرش تمدنی در گرو تصور صحیح از تمدن است. البته در وادی تمدن بسیار سخن گفته شده و برخی تمدن را در معنایی محدود، افزایش آنچه انسان مصرف می‌کند و تجملاتی در ظواهر زندگی، تعبیر می‌کنند؛ اما به نظر می‌رسد جامعه و عالم متمدن، باطنی عمیق دارد که زمینه ساز ظاهری آراسته می‌گردد و برای گام برداشتن به سوی تمدن، باید نظر و دقت در این باطن کرد.

از نظر فوکوتساوا یوکیچی، تمدن به معنای گسترده‌ی آن، نه فقط رفاه در ضرورت‌های روزانه، بلکه پالایش معرفت و پرورش فضیلت است، به نحوی که زندگی بشری را به مرتبه‌ای بالاتر سوق دهد. در این دیدگاه هر چه آمیزش اجتماعی بیشتر باشد، شهروندان یک ملت بیشتر با یکدیگر روبرو می‌شوند و هر چه روابط بشری بیشتر گسترش یابد و الگوهای آن تحول یابد، به همان نسبت طبیعت انسان متمدن‌تر می‌گردد و شعور بشری افزون می‌شود. از نظر ساموئل هانتینگتون نیز، تمدن بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آید.

بر اساس تعاریف فوق، اساس تمدن، نه ظواهر، بلکه فرهنگ و هویتی است که بر مبنای این فرهنگ شکل گرفته و فرهنگ نیز بر فضیلت استوار است و برای گام برداشتن به سوی ساخت و تحقق تمدن اسلامی، باید فضایل برآمده از فرهنگ و هویت بومی جامعه، احصاء و تقویت گردد. این مهم جز با «مجاهدت مخلصانه» امکانپذیر نیست.

بدیهی است برای تصحیح و ارتقاء نگرش تمدنی، مجاهدت علمی و نظر به این حوزه بر اساس تاریخ و هویت بومی ضرورت دارد. خانه بیداری اسلامی در نظر دارد در این راستا سلسله نشست‌هایی تخصصی با عنوان «تمدن نوین اسلامی» برگزار نماید و از جوانب مختلف به این موضوع، که از ضرورت‌های استمرار و تکامل انقلاب اسلامی است، بپردازد.

در اولین گام نیاز است که محققان و اندیشمندان، نظری به تاریخ گذشته و نحوه‌ی مواجهه‌ی ایرانیان با تمدن و تفکر غربی و چگونگی گام نهادن در عالم جدید، داشته باشند. لذا اولین نشست با موضوع «تجربه تجدد ایرانیان از عصر مشروطیت تا امروز» و با حضور فیلسوف و متفکر برجسته، دکتر رضا داوری اردکانی برگزار می‌گردد.

دکتر داوری از برترین اندیشمندانی است که نه تنها در حوزه‌ی فرهنگ و تمدن، تعمقی تحسین برانگیز و شاید بی نظیر کرده؛ بلکه با نگاهی جامع، لوازم و لایه های زیرین این حوزه را نیز به شایستگی به وادی تفکر فلسفی و عقلانیتی واقع گرایانه کشانیده؛ لذا می‌توان با نظر به اندیشه‌ی ایشان، نگرشی تمدنی به فرهنگ، هویت، سیاست، تاریخ، تمدن غرب و بسیاری از مفاهیم مرتبط دیگر داشت. لذا حضور ایشان در اولین گام را به فال نیک گرفته و امیدواریم اندیشه بلند ایشان و تلاش همه‌ی محققان - از جمله مجموعه‌ی خانه بیداری اسلامی - که تمنای تحقق «تمدن نوین اسلامی» در کشور را دارند، راه گشای این هدف عظیم باشد. سخن آخر اینکه، ویژه نامه ایی که در پیش رو دارید، حاصل تلاش اعضای خانه بیداری اسلامی، برای ارائه نظریه ها، خصوصاً دیدگاه دکتر داوری، در موضوع «تجربه تجدد ایرانیان از عصر مشروطیت تا امروز» بوده و سعی شده تا حدودی مسئله‌ی «تجدد» د ایران رمز گشایی گردد.

امید است با مطالعه‌ی دقیق و نقادانه، ما را از نظرات خویش بهره‌مند فرمایید.

بتول یوسفی



تجربه ایرانیان

- پرسش از غرب دکتر داوری در ساحت بیداری اسلامی
- سیاست دانی و تجددشناسی حاج آقا نورالله اصفهانی در گفتاری از دکتر رضا داوری اردکانی
- داوری چگونه تجدد را به داوری می‌نشیند؟
- رهیافتی نظری بر نهضت مشروطه‌خواهی ایرانیان
- افسون سکوت در عُسرت لازمانی
- ورود فلسفه جدید به ایران
- معرفی چند کتاب از دکتر داوری
- زندگی نامه در یک قاب



دکتر موسی نجفی

پرسش از غرب دکتر داوری در ساحت بیداری اسلامی

• دعوت به «تفکر و تأمل و تعمق»

این نشانه‌ها و شاید نشانه‌های دیگر باعث شده است که استاد در بیرون از کلاس رسمی فلسفه و قافله و کاروان فلسفه‌خوانده‌ها جذابیت فوق‌العاده‌ای یافته باشد؛ و یا برعکس، خواننده‌ها و مخاطبان غیرفلسفی را بدون آنکه خودشان خواسته و یا توجه داشته باشند، به عالم فلسفه و فلسفه‌ورزی وارد کند، عینک



او را به چشم خود بزنند با آن به تماشا روند ولی خود متوجه نشوند و دوباره به عالم قبلی برگردند.

از تماشای «عالم» و یا عوالم در اندیشه‌ی داوری سخن به میان آمد، شاید این هم از مصادیق همان فرهنگ واژه‌ها و دانش واژه‌ها و زنجیره‌هایی خاص باشد که ابتدای کلام عنوان شد با دکتر داوری می‌توان به عالم غرب، عالم شرق، عالم تجدد، عالم سنت، ... سفر کرد؛ اما رفتن به هریک از این عوالم، پیش‌شرط مهم دیگری هم دارد؛ و آن، داشتن مجوز و گذرنامه‌ای به نام «نسبت» است.

در این سفر، در این رفت و برگشت در این گذار، می‌توانی به غرب بروی، می‌توانی در شرق بمانی؛ اما نمی‌توانی به هر دو عالم «تعلق» داشته باشی. اینجاست که اگر بخواهی چنین باشی، نهیب دکتر بر سرت فرود خواهد آمد که:

کسانی که به دو عالم تاریخی و به دو تاریخ تعلق دارند، یعنی میان دو عالم سرگردان‌اند، می‌توان گفت در حقیقت بی‌عالم‌اند.

ادامه در صفحه ۲ ...

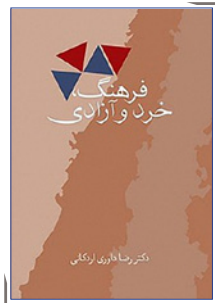
در این سفر، در این رفت و برگشت در این گذار، می‌توانی به غرب بروی، می‌توانی در شرق بمانی؛ اما نمی‌توانی به هر دو عالم «تعلق» داشته باشی. اینجاست که اگر بخواهی چنین باشی، نهیب دکتر بر سرت فرود خواهد آمد که:

کسانی که به دو عالم تاریخی و به دو تاریخ تعلق دارند، یعنی میان دو عالم سرگردان‌اند، می‌توان گفت در حقیقت بی‌عالم‌اند.



معرفی چند کتاب از دکتر داوری

۱. فرهنگ، خرد و آزادی



فرهنگ خرد و آزادی ، مباحثی است در وجوه افتراق آزادی انتزاعی و آزادی حقیقی که طی آن مولف نشان می دهد چه کسانی در چه شرایطی آزادند و در جایی که آزادی وجود ندارد چه عواملی مانع بروز و ظهور آزادی است .در بخشی از کتاب نیز، عوامل موثر در نظم سازمانی،

آزادی سیاسی و توسعه اجتماعی و اقتصادی بررسی و تبیین می شود .مباحث کتاب عبارت اند از فرهنگ و فلسفه، دین و فرهنگ، سیاست و فرهنگ، فرهنگ و سازمان و علم و فرهنگ.

۲. سیر تجدد و علم جدید در ایران

این نوشته گرچه یک گزارش تاریخی است، تاریخ‌نویسی به شیوه متداول تاریخ‌نویسان نیست و در آن،



حوادث به ترتیبی که وقوع می‌بایند وصف نشده‌اند. حوادث در زمان نیستند، بلکه به زمان خاص تعلق دارند و داوری در این صدد بوده است که ببیند و بداند تاریخ یکصد و پنجاه‌ساله یا دیویست‌ساله تجددمآبی با کدام زمان یا چه زمانی پیوسته بوده است

اینکه علم و تجدد چرا آمد و چگونه آمد، معمولاً یک پرسش بیجا و غیر لازم و بیهوده به نظر می‌آید، آنها که تجدد را دوست می‌دارند، برای به دست آوردن دوست‌داشته خود به توجیه و بحث نیاز ندارند و آنانکه با تجدد یا بعضی آثار آن میانه‌ای ندارند، اخذ اجزای خویش را یک امر طبیعی می‌دانند و وجود اجزای بد را به سهل‌انگاری و غرض‌ورزی و بدخواهی بداندیشان نسبت می‌دهند. در این میان معلوم نیست که نظر و فهم چه جایی دارد. با توجه به این وضع، پرسش را به صورت دیگری می‌توان درآورد که به آسانی نتوانند آن را بیهوده بخوانند: تجدد با ما چه کرد و ما با تجدد چه کردیم؟

۳. ما و راه دشوار تجدد

این کتاب مجموعه سیزده مقاله است که بطور مجزا نوشته شده اما پیوند درونی میان آنها بحثی واحد را شکل داده است. در پشت جلد کتاب می خوانیم: « تاریخ ماده تأمل و تفکر و کتاب عبرت است اما هیچ قومی نمی تواند راه طی شده را همان طور که گذشتگان و پیشروان پیموده اند طی کند زیرا راه تاریخ با قدم روندگان گشوده و بنا می‌شود. این راهی نیست که یک بار برای همیشه گشوده شود و همه بتوانند آن را طی کنند. هر کس می خواهد این راه را پیماید خود باید آن را بگشاید و در هر قدم موانع آن را برطرف کند. ما اکنون طالب تجدیدیم و می خواهیم بدانیم که از چه راهی می توان به تجدد رسید و چه باید فراهم کرد. نباید راه تجدد را که به اشاره متفکران ابتدا در نظر آمده و کم کم گشوده شده است، با آنچه در راه پیدا شده است یکی دانست. راه تجدد راهی است که عین تجدد است. این راه رهرو مناسب خود را می طلبد و تا کسی مستعد رهروی نباشد نمی تواند وارد این راه شود و اگر وارد شود راه را پرآشوب می کند.»

«ما و تاریخ تجدد»، «نظری بر عالم متجدد غربی»، «گسیختگی تاریخی



و فرهنگی و تقدم سیاست بر فلسفه»، «ملاحظاتى در باب فرهنگ و توسعه» و «در ورای توسعه غربی» از جمله مقالاتی هستند که در این کتاب آمده است.

۴. فلسفه در دادگاه ایدئولوژی

کتاب «فلسفه در دادگاه ایدئولوژی» متضمن هفت مقاله یا یادداشت است. هریک از این یادداشت‌ها در مناسبت‌های خاص برای پاسخ دادن به بعضی اشکال‌ها و اعتراض‌ها و رفع سوءتفاهم‌ها و نشان دادن بی‌بنیادی نزاع‌های ظاهراً فلسفی نوشته شده است. در این نوشته‌ها گرچه دفاع از خود ظاهرتر

درباره الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت» و ذیل آن: «درباره الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت»، و فصل آخر «پیشرفت و اخلاق». در پایان کتاب نیز فهرست اعلام منتشر شده است.

رضا داوری اردکانی در مقدمه این کتاب می‌نویسد: آینده‌نگری مسبوق به قصد تغییر و اصلاح و تعین‌بخشیدن به آینده است و عجیب نیست که در این اواخر آن را با استراتژی خلط کرده‌اند. شاید آینده‌نگری در هیچ‌جا و



روشنفکری در جهان و ورود و سیر آن در ایران»، «فصل پنجم: معنای روشنفکری»، «فصل ششم: وضع روشنفکری و روشنفکران در شش دهه اخیر»، «فصل هفتم: نظری به روشنفکری دینی»، «فصل هشتم: روشنفکری در بحران» و «فصل نهم: خاتمه و نتیجه».

۷. علوم انسانی و برنامه ریزی توسعه

دکتر داوری اردکانی، در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «من هم چهل سال است که می‌اندیشم آیا علوم انسانی دیگری غیر از آن‌چه هست امکان دارد؟ باید به این امکان فکر کرد و گرنه، کسی که از علوم انسانی چیزی نمی‌داند چگونه علوم انسانی نو بسازد؟ هر علم جدیدی در دامن علم قدیم پدید می‌آید. اگر علوم انسانی باید متحول شود، این تحول و به اصطلاح «گسست اپیستمولوژیک» در آثار دانشمندان این علوم ظاهر می‌شود و این مهم را به عهده اغیار نمی‌توان گذاشت.»

این نوشتار دربرگیرنده مقالاتی است که دشواری مسایل سیاست علم، رغبت دانشمندان و صاحب‌نظران به پژوهش و لزوم تأمل و بر حذر داشتن جاهلان از دخالت در علم را نشان می‌دهد. مقالاتی که می‌توانند به مباحث گوناگون و جاری در ایران امروز که پیرامون علوم انسانی و اجتماعی طرح می‌شوند، وضوح بیشتری ببخشند و به مخاطبان خود یادآور شوند که پیش و بیش از هر چیز در این عرصه باید مسایل و پرسش‌ها را جدی گرفت و محققانه و با جدیتی تام و تمام گام در راه نهاد.



۸. درباره غرب

این اثر کتابی است با نگاهی خاص به معنای غرب که سعی می‌کند، اندیشیدن درباره‌ی غرب را ممکن سازد. بعد از مطالعه کتاب، همان گونه که انتظار می‌رود، ذهن خواننده به شدت مشغول کندوکاو می‌شود.

دکتر داوری اردکانی، در این کتاب سعی کرده است تا ذهن خواننده را با مفهوم غرب و نسبت ما با آن درگیر سازد. کتاب از مقالات مختلفی تشکیل شده است و از این روی، نقاط اوج بسیاری را در خود دارد که خواننده با رجوع به آن، لذت اندیشیدن را احساس خواهد کرد. بجز دو یا سه مقاله، برای مطالعه احتیاجی به دانسته‌های وسیع فلسفی نیست و این از نقاط برجسته این کتاب محسوب می‌گردد.

ویراست دوم کتاب «درباره غرب»، علاوه بر مقالات ویراست اول، شامل مقالات دیگری از نویسنده درباره غرب و جهان تجدد و آثار و نتایج تاریخ غربی است. این مقالات که پس از سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۰)، یعنی سال انتشار ویراست اول نوشته شده است، عمدتاً به روابط جهان توسعه نیافته با جهان متجدد غربی نظر داشته است. عناوین بعضی از مقالات این مجموعه عبارتنداز: «طرح پرسش غرب»، «پرسش از غرب»، «ملاحظاتى در باب شرایط امکان شناخت غرب»، «درباره شرایط امکان غرب شناسی»، «داورد سعاد و شرق شناسی»، «ملاحظاتى درباره شرق شناسی»، «غرب و بحران هویت در ایران معاصر»، «شرق و غرب»، «فلسفه معاصر»، «هنر و زیبایی در دوران تجدد»، «کانت و منورالفکری»، «جهان و جهانی شدن»، «درباره مدرنیته و اندیشه پست مدرن» و ...



زندگی نامه در یک قالب

- تولد: ۱۳۱۲ اردکان
- **سوابق تحصیلی:**
 - ۱۳۳۰: دیپلم، دانشسرای مقدماتی اصفهان
 - مهرماه ۱۳۳۰ و در سن هجده سالگی: استخدام وزارت فرهنگ (وزارت آموزش و پرورش فعلی) و چند سال تدریس در مدارس شهرهای اردکان، اراک، قم و تهران
 - ۱۳۳۲-۳۴: فراگیری مقدمات صرف و نحو و فقه و اصول، مدرسه صدر اصفهان
 - ۱۳۳۴-۴۶: تحصیل در رشته فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران تا درجه دکتری
 - ۱۳۴۶: اخذ درجه دکتری تخصصی فلسفه
 - عنوان رسالهٔ دکتری: «حکمت عملی افلاطون و ارسطو و تأثیر آن در فلسفهٔ سیاسی فارابی» به راهنمایی شادروان دکتر یحیی مهدوی
 - ۱۳۴۶: انتقال از آموزش و پرورش به دانشگاه تهران و شروع به خدمت به عنوان عضو هیأت علمی
- **سوابق علمی:**
 - استادیار فلسفه دانشگاه تهران، ۱۳۴۶
 - دانشیار فلسفه دانشگاه تهران، ۱۳۵۰
 - فرصت مطالعاتی، دانشگاه سوربن، فرانسه
 - فرصت مطالعاتی، انگلستان، ۱۳۵۶-۵۷
 - فرصت مطالعاتی، دانشگاه جان هاپکینز، امریکا
 - استاد فلسفه دانشگاه تهران، از ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۶
 - عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، از بدو تأسیس (۱۳۶۹) تاکنون
 - استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی- واحد علوم و تحقیقات
 - عضو پیوسته خارجی آکادمی علوم تاجیکستان، از سال ۲۰۱۱ میلادی
- **مسئولیت های علمی، اداری و فرهنگی:**
 - رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۵۸-۱۳۶۰
 - سرپرست کمیسیون ملی یونسکو- ایران، ۱۳۵۹-۱۳۶۱
 - مدیرگروه آموزشی فلسفه دانشگاه تهران، ۱۳۶۲-۱۳۶۵
 - سردبیر مجله نامه فرهنگ، ۱۳۷۱-۱۳۸۵
 - رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، از ۱۳۷۷ تاکنون
 - نایب رئیس انجمن آکادمی های علوم آسیا، ۲۰۰۲-۲۰۰۶
 - عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، از ۱۳۶۳ تاکنون
 - عضو شورای عالی برنامه ریزی آموزشی، از ۱۳۶۳ تاکنون

۱. یکی از این عناوین: فیلسوف فرهنگ، جشن نامه استاد دکتر رضا داوری اردکانی (به کوشش دکتر حسین کلباسی اشتری)، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۷

هیچ وقت به کلی فارغ و آزاد از استراتژی نبوده‌است، اما وقتی به صورت طرح‌های استراتژیست‌هایی مثل برنارد لوپس و هانتینگتون و فریدمن در می‌آید به جای اینکه صرفاً پیش‌بینی مبتنی بر فهم تاریخ و درک نشانه‌ها باشد بیشتر تعیین‌کننده سیاست‌هاست. سیاست‌ها و بخصوص سیاست‌هایی که از سوی قدرت‌های بزرگ اجرا می‌شود، در تاریخ بی‌اثر نیست؛ اما راهبردهای شبیه به آینده‌نگری همواره به همان نتایجی که سیاست‌گذاران در نظر داشتند، نمی‌رسد.

۶. سیری در تاریخ روشنفکری در ایران و جهان

دکتر رضا داوری اردکانی در بخشی از کتاب می نویسد: منورالفکری ناظر به قوام تجدد و طراحی جهان متجدد است، اما روشنفکری در زمانی به وجود می آید که در راه تحقق این طرح در عمل و سیاست مشکلاتی پیدا می شود که در آغاز دیده نشده بود. کتاب حاضر علاوه بر مقدمه مشتمل بر ۹ فصل و ۳ ضمیمه است. عناوین فصول کتاب عبارتند از: «فصل اول: کانت و منورالفکری»، «فصل دوم: منورالفکری چیست؟»، «فصل سوم: دانشمند، سیاست و حقیقت»، «فصل چهارم: قوام

است، اما در حقیقت از فلسفه دفاع شده است. اگر در آنها قصد دفاع از شخص خود و آرای خود را غالب می‌دیدم به انتشارشان راضی نمی‌شدم. هرکس که به فلسفه وارد می‌شود در مباحث و مسائل، نظری دارد و طبیعی است که از نظر خود دفاع کند. در این دفتر من با دو گروه بحث کرده‌ام. گروهی که گرچه اهل قلم و بیاند فلسفه نخوانده و داعیه فلسفه‌دانی هم ندارند، اما شاید تعلقی به یک ایدئولوژی داشته باشند.

۵. فلسفه و آینده نگری

«فلسفه و آینده‌نگری» علاوه بر مقدمه و نیز طرح مقدماتی مسئله، مشتمل بر ۸ فصل است که عناوین فصول آن عبارتند از: «آینده‌نگری چیست و چگونه است؟»، «امکان و آینده»، «پیشرفت و آینده علم و توسعه»، «جلوه آینده در آیینۀ توسعه»، «فلسفه و آینده»، «آینده فلسفه»، «ملاحظاتى

